



شایسته‌ترین مفسران

قرآن کریم به دلیل «وحيانی بودن»، از همان عصر نزول تاکنون محتاج «مفسری مطمئن و امین» بوده. لذا تبیین حقایق قرآنی توسط رسول اکرم ﷺ آغاز و به دست خلفای شایسته و جامع‌الشرایط وی (از جمله از حیث علم، عصمت و نصب الهی) ادامه یافت، به گونه‌ای که دیگران همیشه معترف بوده‌اند هر آنچه در تفسیر و فهم صحیح و متقن از کلام الهی دارند، از سرچشمه علوم نبوی یا علوی بوده است. سخن ابن عباس را بشنویم که می‌گوید: «هرچه از تفسیر فراگرفتم، از علی بن ابی طالب علیه السلام است.»^۱ بر این اساس بود که امام باقر علیه السلام می‌فرمود:

«ما يستطيع احدٌ ان يدعى ان عنده جميع القرآن كله ظاهره و باطنه غير الاوصياء؛ کسی غیر از اوصیا نمی‌تواند ادعا کند که تمام قرآن، ظاهر و باطنش، نزد اوست.»^۲

و نیز می‌فرمود:

«ان من علم ما اوتينا تفسير القرآن و احكامه؛ همانا از دانشی که به ما داده شده، تفسیر قرآن و احکام آن است.»^۳

امام عسکری علیه السلام مفسر امین و الهی برای متن دینی (قرآن) مسلمانان بود و برخی از القاب آن بزرگوار مانند: ناطق عن الله،^۴ مرشد الی الله،^۵ علام،^۶ سراج اهل الجنة^۷ و خزانه الوصیین^۸ گویای عظمت علمی و



ظرفیت لازم آن امام برای عهده‌داری این مقام است.

علاوه بر تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام که همیشه مورد بحث و گفت و گوی محققان بوده است، اخبار دیگری بر اشتغال آن حضرت به تفسیر قرآن کریم به طور وسیع، دلالت دارند. ابن‌شهر آشوب در معالم العلماء می‌نویسد:

حسن بن خالد برقی، برادر محمد بن خالد است و از جمله کتابهای وی «تفسیر عسکری» به املائی امام علیه السلام است که در ۱۲۰ جلد گردآوری شده است.^۹ از این تفسیر اثری در دست نیست و علمای رجال هم ابن خالد را تأیید کرده‌اند.^{۱۰} البته درباره تفسیر ۱۲۰ جلدی نیز برخی معتقدند: «منظور ابن شهر آشوب از «العسکری» ظاهراً امام هادی علیه السلام است که به صاحب عسکری نیز ملقب بود.»^{۱۱} امام عسکری علیه السلام بر اساس وظیفه الهی‌اش، در عمل هم مردم را به قرآن دعوت می‌کرد و به طور کتبی و شفاهی مردم را به قرآن و عهد و پیمان بستن با آن فرا می‌خواند. از جمله در نامه‌ای به ابن بابویه، می‌نویسد:

«ای بزرگمرد مورد اعتماد و فقیه من، ابوالحسن علی بن حسین قمی!... تو را به تفقه در دین و پایداری در امور و هم پیمانی با قرآن و... توصیه می‌کنم.»^{۱۲}

شیوه تفسیری امام عسکری علیه السلام

۱. قرآن به قرآن

این روش تفسیری، سابقه‌ای طولانی دارد. هر چند برخی تفسیر میزان را آغازگر این روش می‌دانند؛ ولی واقعیت این است که «تفسیر قرآن با قرآن» از زمان معصومان علیهم السلام رایج بود. علامه طباطبایی در توضیح این روش می‌نویسد: «اینکه قرآن را با قرآن تفسیر کنیم و معنای هر آیه را، با تفکر در همان آیه و آیات دیگر، به دست آوریم و مصادیق آیه را معلوم کنیم و با استفاده از خصوصیات ذکر شده در آیات، آنها را مشخص کنیم، چنانچه خداوند می‌فرماید:

﴿تَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾^{۱۳}؛ و بید است که قرآن روشگر هر چیزی باشد، ولی مبین خود نباشد.»^{۱۴}

نمونه‌هایی از این نوع تفسیر از امام عسکری علیه السلام را می‌خوانیم:

۱. معنای نعمت

شیخ صدوق از امام عسکری علیه السلام درباره آیه ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ چنین نقل می‌کند: «ای قُولُوا اهدنا صراط الذين انعمت عليهم بالتوفيق لدينك و طاعتك و هم الذين قال الله عزوجل ﴿و من يُطع الله والرسولَ فأولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين و حسن اولئك رفيقاً﴾^{۱۵}، یعنی

بگویند؛ ما را به راه کسانی هدایت کن که به آنها توفیق دادی پیرو دین تو باشند و تو را اطاعت کنند. و آنان کسانی‌اند که خدا فرموده است: «و هر کسی خداوند و پیامبر را اطاعت کند، پس آنان با کسانی‌اند که خداوند بر آنان نعمت داده است؛ از پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان و اینان همراهان خوبی‌اند.»^{۱۶}

در این حدیث، امام علیه السلام از ﴿فأولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين﴾ استفاده کرده که مصادیق عینی ﴿الذين انعمت عليهم﴾ را روشن می‌کند. با استفاده از روش عقلی، بیان می‌کند که نعمت در ﴿صراط الذين انعمت عليهم﴾، نعمت ثروت و تندرستی نیست: «اینان کسانی نیستند که با ثروت و تندرستی برایشان نعمت داده شده باشد، هر چند اینها هم نعمتی آشکار از خداست. آیا نمی‌بینید که صاحبان چنین نعمت‌هایی گاهی هم کافران و فاسقان‌اند. شما را فرا نخوانده‌اند که دعا کنید و به راه آنان هدایت شوید، بلکه فرمان یافته‌اید دعا کنید تا به راه کسانی هدایت شوید که بر آنان نعمت داده شده است؛ با ایمان به خدا و تصدیق پیامبرش و ولایت نسبت به محمد و خاندان پاک او و یاران نیکوکار و برگزیده‌اش، و با تقیه‌ای نیک که به سبب

آن از شر بندگان خدا در امان باشند و از افزایش در گناهان و کفر دشمنان سالم بمانند، به اینکه با آنان مدارا کنی و ایشان را به آزار خود و آزار مؤمنان تحریک نکنی، و با معرفت نسبت به حقوق برادران مؤمن...»

۲. معنی الله الأمر...

نمونه دیگر از تفسیر قرآن با قرآن را درباره آیه ﴿و الله الامر من قبل و من بعده﴾^{۱۷}؛ «امر از پیش و پس از آن، از آن خداست» می‌توان دید که امام با آیه ﴿ألا له الخلق و الأمر تبارك الله رب العالمين﴾ تفسیر فرمود. راوندی در این باره از ابوهاشم نقل می‌کند: محمد بن صالح ارمی از امام حسن عسکری علیه السلام درباره آیه ﴿لله الامر من قبل و من بعده﴾^{۱۸} پرسید، حضرت فرمود:

«فرمان، از آن خداست، پیش از آنکه به چیزی فرمان بدهد، و فرمان، از آن اوست پس از آنکه به آنچه خواهد، فرمان دهد.»

در دل خود گفتم: این، همان سخن خداست که فرمود: «آگاه باشید، خلق و امر از آن اوست. خجسته است پروردگار جهانیان.» حضرت رو به من کرد و فرمود: همان گونه است که در دلت گذشت ﴿ألا له الخلق و الأمر تبارك الله رب العالمين﴾^{۱۹}

۳. وقت نمازها

امام عسکری فرمود: خداوند درباره وقت نماز ظهر فرموده است: ﴿اقم الصلوة طرفی



النهار و زلفاً من الليل^{۲۰} مقصود از «طرفین» نماز صبح و عصر است. و «زلفاً من الليل» بین مغرب و عشاء است. خدای سبحان فرمود: ﴿يا ايها الذين آمنوا ليستأذنكم الذين ملكت ايمانكم و الذين ام يبلغوا الحلم منكم ثلاث مرات من قبل صلوة الفجر و حين تضحون ثيابكم من الظهر من بعد صلوة العشاء...﴾؛^{۲۱} «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قطعاً باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به (سن) بلوغ نرسیده‌اید، سه بار در شبانه روز از شما کسب اجازه کنند: پیش از نماز بامداد، و هنگام نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید، و پس از نماز شامگاهان...»

بنابراین، آیه شریفه نماز صبح و وقت نماز ظهر و عشاء را بیان داشته است. زیرا پوشیدن لباس راحت برای خواب بعد از نماز عشاء صورت می‌گیرد. و نیز فرمود: ﴿يا ايها الذين آمنوا اذا نودي للصلاة من يوم الجمعة فاسعوا السی ذکر الله و ذروا البيع﴾؛^{۲۲} «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون برای نماز جمعه ندا داده شد، به سوی ذکر و یاد خدا بشتابید و داد و ستد را واگذارید.» دانشمندان سنی نظر دادند که مقصود از سعی، همان نماز ظهر است، سپس خدای متعال فرمود: ﴿اقم الصلوة لعلک الشمس الی غسق الليل﴾؛^{۲۳} «نماز را از

زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب بر پادار.» که بر بیان وقت نماز عشاء تأکید کرده است که در تاریکی شب انجام می‌شود.^{۲۴}

۲. تفسیر عقلی

استفاده و استمداد از قرآن عقلی را که مورد قبول همه خردمندان، در راه فهم قرآن است، «تفسیر به عقل» می‌گویند. عقل، یکی از ابزارهای تفسیر قرآن است و تفسیر نباید مخالف حکم صریح عقل با قرآن قطعی عقلی باشد.^{۲۵}

در این نوع تفسیر، مسأله «رابطه عقل و دین» مطرح می‌شود و اینکه آیا حکم دین و قرآن می‌تواند با عقل تعارض داشته باشد؟ به طور کلی سه نوع حکم دینی در رابطه با عقل، قابل تصور است: الف) احکام عقل‌پذیر. ب) آیات عقل‌ستیز؛ یعنی احکام و آیاتی که بر خلاف حکم صریح عقل سالم باشد. به اتفاق نظر متکلمان، ادیان الهی چنین احکامی ندارند. به خصوص اسلام که مطابق فطرت و عقل است و خداوند، عاقل و حکیم است. لذا یا مقدمات حکم عقل، کامل نیست و خطاست، یا اگر قطعی بودن حکم عقلی ثابت شد، معلوم می‌شود ظاهر آیه منظور نیست. مانند: ﴿یدالله فوق ایدیه﴾. ج) احکام عقل‌گریز؛ مطالبی که در قرآن هست، ولی فراتر از عقل است و عقل بشر توان درک آن را ندارد. مثلاً عقل انسان

وجود خدا را می‌پذیرد و اثبات می‌کند و این، از احکام عقل‌پذیر است؛ ولی ذات خداوند و چگونگی آن را درک نمی‌کند. پس، ذات الهی از مطالب عقل‌گریز است.^{۲۶}

نمونه‌ای از این روش تفسیری از امام عسکری^{علیه السلام} را مرور می‌کنیم:

الف) طبرسی با سند خود از امام حسن عسکری^{علیه السلام} در تفسیر آیه ﴿ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوة و لهم عذاب عظیم﴾؛^{۲۷} «خداوند بر دل‌ها و بر گوش آنان مهر زد و بر چشمانشان پرده‌ای نهاد و برای آنان عذابی دردناک است.» فرمود: یعنی «بر دل‌هایشان مهری زد» که هر کدام از فرشتگان که خدا بخواهد، وقتی به آن می‌نگرند، آن را می‌شناسند به اینکه آنان ایمان نمی‌آورند. «و بر گوش آنان» نیز نشانه‌ها و علامت‌هایی است. «و بر چشمانشان پرده است.» به این جهت که چون از نگاه به آنچه مورد تکلیفشان بود، اعراض کردند و در آنچه از ایشان خواسته شده بود، کوتاهی کردند و نسبت به آنچه ایمان آوردن به آن بر آنان لازم بود، جاهل شدند، مانند کسی شدند که بر دیدگانش پرده‌ای است و آنچه را جلوی اوست، نمی‌بیند.

خدای متعال، برتر از آن است که بیهودگی و تباهی در کارش باشد و از

بندگان چیزی بخواهد که خودش آنان را از آن نهی کرده است، پس از آنها نمی‌خواهد که بر خدا غلبه کنند، یا به سوی چیزی بروند که خودش راه آنان را بر آن بسته است...^{۲۸} امام عسکری^{علیه السلام} در این روایت، با توجه به قرینه عقلی «بیهوده کاری و تباهی در کار خدا، راه ندارد.» و «خدا از بنده کاری را نمی‌خواهد که خودش آنها را از آن کار بازداشته است.» می‌فرماید: اعراض از تکلیف و کوتاهی در ایمان آوردن، باعث شده آنها مثل کسی که پرده بر چشم دارد، باشند و چیزی را نبینند. پس، منظور این نیست که «خدا خودش بر دل آنها مهر زد»، بلکه «اعمال آنها بر دلشان مهر زده است.»

ب) صدوق از امام عسکری^{علیه السلام} نقل کرده است که درباره ﴿اهدنا الصراط المستقیم﴾ فرمود: الصراط المستقیم هو صراطان؛ صراط فی الدنیا و صراط فی الآخرة، و اما الصراط المستقیم فی الدنیا فهو ما قصر عن الغلو و ارتفع عن التقصیر (خ = نقیصه) و استقام فلم يعدل الی شیء من الباطل و اما الطریق الآخر فهو طریق المؤمنین الی الجنة الذی هو مستقیم لا يعدلون عن الجنة الی النار ولا الی غیر النار سوی الجنة؛ صراط مستقیم، دو صراط است؛ صراطی در دنیا و صراطی در آخرت. اما صراط مستقیم در دنیا، آن است که از غلو



پایین و از کوتاهی بالا بر باشد و استوار و درست باشد و به هیچ باطلی نگراید. و اما راه دیگر، راه اهل ایمان به سوی بهشت است که راهی راست است. آنان نه از بهشت به آتش دوزخ منحرف می‌شوند و نه به چیزی غیر از آتش، و فقط به بهشت می‌گرایند.^{۲۹}

این واقعیت خارجی وجود دارد که «مسلمان مؤمن، در راه راست (اسلام و دین حق) قرار دارد. و مؤمن تا حال از خدا اطاعت کرده است.» پس، معنای دعا برای در صراط مستقیم بودن، دعا برای استمرار در صراط مستقیم بودن است.

۳. تفسیر قرآن با روایت

امام عسکری علیه السلام خود به عنوان امام معصوم و جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله دارای تمامی صلاحیت‌های لازم برای «مفسر واقعی بودن متن دینی» هست؛ با این حال و به دلایل متعدد، آن حضرت روایاتی در تفسیر را به تناسب از پیامبر یا امامان قبلی علیهم السلام نقل می‌کرد. روایات، گاه مفاد و منظور آیه را بیان می‌کنند، زمانی مصداقی خاص را در بر دارند و گاه تأویل. به اختصار، نمونه‌هایی را مرور می‌کنیم:

۲۲۸۰

الف) تفسیر روایی، مصداق

قمی در تفسیر آیه: ﴿و جعلنا لهم لسان صدق علیاً﴾؛ «و قرار دادیم برای او زبان راستی، علی را»، می‌نویسد:

«یعنی امیرمؤمنان علیه السلام. این را پدرم از امام حسن عسکری علیه السلام برایم نقل کرده است.»^{۳۰}

ب) تفسیر روایی، معنای الله

صدوق از امام عسکری علیه السلام نقل می‌کند که حضرت دربارهٔ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ فرمود:

الله، کسی است که هنگام نیازها و سختی‌ها هر آفریده‌ای، وقتی امیدش از همه جز او قطع شود، و همه اسباب، از همه غیر خدا گسسته شود، به او توجه کند، می‌گوید: «بِسْمِ اللَّهِ»؛ یعنی در همه کارهایم از خدای یاری می‌جویم که جز او کسی شایسته پرستش نیست. هرگاه از او کمک خواهند، به فریاد می‌رسد و چون بخوانندش، پاسخ می‌دهد.

(در اینجا امام عسکری برای تفسیر و روشن کردن معنای «الله» به کلامی از امام صادق علیه السلام توجه داد و فرمود: این، همان نکته‌ای است که چون مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ای پسر پیامبر! مرا راهنمایی کن که خدا، چیست؟ اهل جدل با من زیاد حرف زده و سرگردانم کرده‌اند. امام فرمود: ای بنده خدا! تا کنون سوار کشتی شده‌ای؟ گفت: آری. فرمود: آیا پیش آمده که کشتی شما بشکند، نه کشتی‌یی باشد که نجات دهد، نه شنا بلد باشی که بی‌نیازت کند؟ گفت: آری. فرمود: در آن هنگام، دلت

به جایی و چیزی امید داشت که بتواند تو را از آن ورطه هولناک نجات دهد؟ گفت: آری. فرمود: آن چیز، همان خداست. آنجا که نجات بخشی نیست، [فقط خدا] می‌تواند نجات دهد و...^{۳۱}

ج) تفسیر حروف مقطعه

صدوق با سند خویش از امام حسن عسکری علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: قریش و یهود، قرآن را دروغ پنداشته و گفتند: جادویی آشکار است که از خود بافته است. پس، خداوند فرمود: ﴿الْم ذَالِكِ الْكِتَابِ﴾؛ یعنی ای محمد! این کتابی که بر تو نازل کردیم، همان حروف مقطعه‌ای است که الف و لام و میم از آنهاست. به زبان شما و به حرف شماست. اگر راست می‌گویید، مانند آن را بیاورید. و از دیگر گواهانتان هم مدد بگیرید.

سپس بیان فرمود که آنان هرگز توان آن را ندارند: «بگو اگر انس و جن گرد آیند تا این قرآن را بیاورند، نمی‌توانند مانند آن را بیاورند هر چند برخی‌شان پشتیبان برخی دیگر باشند... امام صادق علیه السلام فرموده است: «الف» یکی از حروف کلمه «الله» است. الف، نشانهٔ الله است. «لام» اشاره است به اینکه او صاحب مجد است و در همه کارهایش محمود است.^{۳۲}

۴. تفسیر علمی، ادبی و...

روش‌های تفسیری بر اساس منابع می‌تواند مختلف باشد. گاه تفسیر را روایی، عقلی و قرآن به قرآن می‌نامند و زمانی ادبی، علمی، فلسفی و... نمونه‌هایی را از امام عسکری علیه السلام می‌خوانیم:

الف) تفسیر ولیجه و...

سفیان بن محمد ضبعی می‌گوید: در نامه‌ای از امام عسکری دربارهٔ «ولیجه» در این آیه پرسیدم که: ﴿وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَهًا﴾؛^{۳۳} «و جز خدا و پیامبرش و مؤمنان، ولیجه‌ای نگرفتند.» پیش خودم هم گفتم: منظور از مؤمنان در این آیه، چه کسانی‌اند؟ چنین جواب آمد: «الولیجة الذی یقام دون ولیّ الامر وحدتک نفسک عن المؤمنین هم هذا الموضع؟ فهم الائمة الذین یؤمنون علی الله فیجیز امانهم؛ ولیجه، کسی است که به جای سرپرست و امام قرار داده می‌شود. پیش خود و در دلت چنین گفتمی که مقصود از مؤمنان در اینجا کیانند؟ آنان امامان‌اند؛ کسانی که برای مردم از خدا امان می‌گیرند، خدا هم امان آنها را امضاء می‌کند.»^{۳۴}

۲۲۸۱



ب) تفسیر امّیون و امانی

طبرسی از امام حسن عسکری علیه السلام دربارهٔ آیه «وَمِنْهُمْ امّیونَ لَا یَعْلَمُونَ الْکِتَابَ الْاَمَانِی» نقل کرده است:

امّی، منسوب به امّ (مادر) است؛ یعنی مثل زمانی که از مادر متولد می‌شود و قدرت بر خواندن و نوشتن ندارد و «کتاب را نمی‌دانند» کتابی که از آسمان فرود آمده و نه آنچه به دروغ بر آن کتاب می‌بندند. و میان آن تمییز نمی‌دهند مگر «امّانی»؛ یعنی آنکه بر آنان خوانده شود. به ایشان گفته می‌شود که این کتاب و سخن خداست، ولی اگر چیزی بر خلاف آنچه در کتاب خداست، بر آنان خوانده شود، نمی‌شناسند. «و آنان تنها گمان دارند»؛ یعنی نسبت به آنچه بزرگانشان بر آنان می‌خوانند و محمد را تکذیب می‌کنند...

۲۲۸۲

تأویل و تطبیق آیات

در تفاسیر منقول از ائمه، از جمله امام عسکری علیه السلام میان «تفسیر ظاهر و باطن» و «تفسیر و تطبیق مصادیق»^{۳۶} آمیختگی دیده می‌شود. لذا گاه در روایت، مصداق یا یکی از بارزترین مصادیق آیه مطرح است؛ ولی برخی آن را تفسیر کامل آیه پنداشته‌اند. مانند آیه «فاسألوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون» که در سوره نحل (۴۳) و انبیا (۷)

آمده و ظاهرشان نشان می‌دهد خطاب به مشرکان است؛ یعنی طبق ظاهر دو آیه اهل الذکر، اهل کتاب است. اما در تأویل آیه، مفهوم عامی افاده می‌شود و هر دانشمند با فرهنگ و معرفتی و پیشاپیش همه، امامان اهل بیت علیهم السلام را در بر می‌گیرد. با این روش (کنار گذاشتن خصوصیات و قرائن آیه، تمسک به عموم لفظ و عموم ملاک) یک مفهوم کلی حکم قطعی عقل (به ضرورت رجوع عالم به جاهل) در همه زمینه‌ها استفاده می‌شود؛ لذا این نوع برداشت تأویل (مفاد باطن آیه) است و ربطی به تفسیر (مفاد ظاهر آیه) ندارد.^{۳۷} همین روش را در برخی احادیث امام عسکری علیه السلام هم می‌توان دید، مانند تأویل آیه ۱۲۵ و ۱۲۶ سوره طه به امامت. امام علیه السلام در نامه‌اش به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری می‌نویسد:

«فاعلم یقیناً یا اسحاق، انه من خرج من هذه الدنيا اعمی فهو فی الاخرة اعمی و اَضَلَّ سَبیلاً. یا اسحاق، لیس تعمی الابصارُ ولکن تعمی القلوب التی فی الصدور و ذلک قول الله فی محکم کتابه حکایةً عن الظالم اذ یقول «رَبِّ لِمَ حشرتني اعمی و قد کنت بصیراً؟ قال: کذلک اتک آياتنا فنسيتها و کذلک الیوم تنسی؟» و ای آیه اعظم من حجة الله علی خلقه و امینه من بلاده و شهیده علی

عباده من بعد من سلف من آياته الاولین النبیین و آياته الاخرین الوصیین علیهم اجمعین السلام و رحمة الله و برکاته؛^{۳۸} ای اسحاق! به یقین بدان هر کس از این دنیا کور بیرون رود، در آخرت نیز کور خواهد بود و سخت گمراه. ای اسحاق! مقصود من کوری چشم نیست، بلکه نابینایی دل‌های درون سینه‌هاست و این است معنای گفتهٔ خدای تعالی که در کتاب استوارش از قول ستمگران فرمود: «رَبِّ لِمَ حشرتني اعمی و قد کنت بصیراً؟» «پروردگارا! چرا مرا کور محسور کردی با اینکه بینا بودم؟» خداوند در پاسخ می‌فرماید: «کذلک اتک آياتنا فنسيتها و کذلک الیوم تنسی؟» «این چنین آیات ما به تو رسید و تو فراموششان کردی، امروز هم تو فراموش شده‌ای.»

پس از گذشت نیاکان نخستین او؛ یعنی پیامبران و پدران دیگرش که اوصیای اند - و درود و برکات خداوند بر همهٔ آنان باد - کدام نشانهٔ الهی بزرگ‌تر از حجت خدا بر خلق و امین او در بلادش و گواه و شاهد او بر بندگانش است؟»

نمونهٔ دیگر، مربوط به آیه ۸۲ سوره بقره است: «والذین امنوا و عملوا الصالحات اولئک اصحاب الجنة هم فیها خالدون» یهودیان معتقد بودند که جز ایام کوتاهی در آتش جهنم نخواهند ماند. آیه (۸۱) همین

سوره، بعد از رد سخن آنان می‌فرماید: «کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند، آنها اهل بهشت‌اند و در آنجا جاودانه‌اند.» اما در روایتی امام حسن عسکری علیه السلام به کسی که ادعا می‌کند شیعه است، می‌فرماید:

«شیعة علی علیه السلام نیستی، بلکه از دوستداران اوئی. شیعة علی آنان اند که خدا درباره‌شان فرموده است: «والذین آمنوا و عملوا الصالحات...» آنان کسانی اند که به خدا ایمان آورده و او را به صفاتش ستوده و از آنچه مخالف صفات اوست، منزه داشته‌اند... محمد را در گفتارش راستگو شمرده و همه کارهایش را درست دانسته‌اند و پس از او، علی را سرور و پیشوا و بزرگ و والا دیده‌اند که از امت محمد، کسی همتای او نیست...»^{۳۹}

در هر دو آیه آنچه روشن است، این است که امام عسکری علیه السلام با قطع نظر از خصوصیات و قرائن و با توجه به عموم لفظ آیات، یک مفهوم کلی به دست آورده است، و روشن است که بارزترین مصداق آیه، که نباید از آنها چشم پوشید، ولایت و حجت الهی و امامت است، و بارزترین مصداق صاحبان ایمان و عمل صالح هم، شیعیان علی علیه السلام می‌باشند.

۲۲۸۳



پی نوشتها:

۲۴. عیون المعجزات، ص ۱۲۷؛ مدینة المعاجز، ص ۵۷۱؛ با خورشید سامراء، ص ۲۲۸.
 ۲۵. ر. ک: تفسیر به رأی، آیت الله مکارم شیرازی، ص ۳۸ به بعد.
 ۲۶. در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی، ۹۵ - ۹۷.
 ۲۷. بقره / ۷.
 ۲۸. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۵۵، ح ۳۳۴.
 ۲۹. معانی الاخبار، ص ۳۳، معنی الصراط، ح ۴.
 ۳۰. مریم / ۵۰.
 ۳۱. توحید، صدوق، ص ۲۳۰، ح ۵.
 ۳۲. معانی الاخبار، ص ۲۴ - ۲۸.
 ۳۳. توبه / ۱۶.
 ۳۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۰۸، ح ۹.
 ۳۵. بقره / ۷۸ و ۷۹.
 ۳۶. احتجاج، ج ۲، ص ۵۰۷، ح ۳۳۶.
 ۳۷. تفسیر و مفسران، آیت الله معرفت، ج ۱، ص ۴۴۷ و ۴۴۸.
 ۳۸. تحف العقول، ص ۴۸۴ و ۴۸۵.
 ۳۹. تفسیر امام حسن عسکری (ع)، ص ۳۴۱، ح ۱۶۱.



۲۲۸۴

۱. التفسیر و المفسرون، ذهبی، ج ۱، ص ۹۶ و اعترافات دیگران.
 ۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۸.
 ۳. همان.
 ۴. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۱۲.
 ۵. همان، ص ۳۴۸.
 ۶. اثبات الهداة، ج ۱، ص ۵۱۲.
 ۷. همان، ص ۷۰۰.
 ۸. منهج الدعوات، ص ۲۳۴، این القاب دارای ریشه روایی است و القابی مانند: هادی، مهتدی، ماضی هم گویای شخصیت علمی بزرگ حضرت است که روایی ندارند. ر. ک: با خورشید سامراء، محمد جواد طیبی، ترجمه عباس جلالی، ص ۲۸ - ۳۵.
 ۹. معالم العلماء، ص ۳۴، رقم ۱۸۹؛ مکاتب تفسیری، علی اکبر بابایی، ج ۱، ص ۹۸.
 ۱۰. با خورشید سامراء، ص ۱۸۶.
 ۱۱. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۲۸۳؛ مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۹۹.
 ۱۲. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۹۶.
 ۱۳. نحل / ۸۹.
 ۱۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۱.
 ۱۵. نساء / ۶۹.
 ۱۶. معانی الاخبار، صدوق، ص ۳۶، باب معنی الصراط، ح ۹. صدوق، این خبر را با سند متصل از امام عسکری (ع) نقل می کند و بعد می نویسد: این حدیث از امیر مؤمنان (ع) هم نقل شده است.
 ۱۷. روم / ۴.
 ۱۸. اعراف / ۵۴.
 ۱۹. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۸۶، ح ۸.
 ۲۰. هود / ۱۱۴.
 ۲۱. نور / ۵۸.
 ۲۲. جمعه / ۹.
 ۲۳. اسراء / ۷۸.

